

## The Right to a Healthy Environment in International Legal Instruments and Afghan Law

Mohammad Yahya Balaghat<sup>1</sup> , Ahmad Masood Bayan<sup>2</sup> 

1. Faculty Member, Department of Law, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan.  
(Corresponding author). E-mail: [Balaghat@kateb.edu.af](mailto:Balaghat@kateb.edu.af)  
Master's Student in International Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan.  
E-mail: [Masoodbayan8@gmail.com](mailto:Masoodbayan8@gmail.com).

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**  
Received: 19/02/2026  
Received in revised form: 21/02/2026  
Accepted: 12/03/2026  
Available online: 19/03/2026

**Keywords:**  
Right to a Healthy Environment;  
International Human Rights; Afghan Legal System; State Obligations

### ABSTRACT

The growing environmental crises in recent decades have highlighted the importance of recognizing the “right to a healthy environment” as one of the fundamental human needs. The realization of many fundamental human rights, including the rights to life and health, is directly dependent on the existence of a healthy environment. Despite some limited studies, the status of this right in international legal instruments and the legal system of Afghanistan has not been addressed in a systematic manner. The main research question is: what is the status of the right to a healthy environment in international legal instruments and the legal system of Afghanistan, and what similarities and differences can be observed between them? The research hypothesis is based on the idea that the necessity of environmental protection is recognized in both systems; however, in international legal instruments this right is explicitly and independently recognized as a distinct human right, whereas in Afghan law it is implicitly addressed within the framework of state obligations. Therefore, there are significant similarities and differences between the two legal systems. This study was conducted using a descriptive-analytical method with a comparative approach and based on library sources, international legal instruments, and domestic laws. The findings show that despite certain measures in the field of environmental protection in Afghanistan, the lack of explicit recognition of this right as an independent right creates serious challenges for its realization. Accordingly, strengthening the legal framework, ensuring effective enforcement mechanisms, establishing specialized environmental courts, raising public awareness, and developing comprehensive environmental policies are necessary and indispensable for the effective realization of this right.

**Cite this article:** Balaghat, M. & Bayan, A. (2026). The Right to a Healthy Environment in International Legal Instruments and Afghan Law, *Kateb International Journal of Law*, 4 (2), 181-198. DOI: <https://doi.org/10.66943/kjl.v4i2.79>



## حق بر محیط زیست سالم در اسناد حقوقی بین‌المللی و حقوق افغانستان

محمد یحیی بلاغت<sup>۱</sup>، احمد مسعود بیان<sup>۲</sup>

۱. عضو کادر علمی دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان، (نویسنده مسئول). ایمیل: Balaghat@kateb.edu.af

۲. محصل ماستری حقوق بین‌الملل، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان. ایمیل: Masoodbayan8@gmail.com

### چکیده

### اطلاعات مقاله

گسترش بحران‌های محیط‌زیستی در دهه‌های اخیر، اهمیت شناسایی «حق بر محیط زیست سالم» را به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی بشر برجسته ساخته است؛ زیرا تحقق بسیاری از حقوق بنیادین بشر، از جمله حق حیات و سلامت، به‌گونه مستقیم به وجود محیط زیست سالم وابسته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که حق بر محیط زیست سالم در اسناد حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی افغانستان چه جایگاهی دارد و چه نقاط اشتراک و افتراقی میان آن‌ها مشاهده می‌شود؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که لزوم حفاظت از محیط‌زیست در هر دو نظام مورد توجه قرار گرفته است؛ با این‌حال، در اسناد حقوقی بین‌المللی این حق به‌گونه‌ای صریح و مستقل به‌عنوان یک حق مستقل به رسمیت شناخته شده است، در حالی‌که در نظام حقوقی افغانستان این حق به‌گونه‌ای ضمنی و در قالب تعهدات دولتی مطرح گردیده است. بنابراین، میان دو نظام حقوقی وجوه اشتراک و افتراق قابل توجهی وجود دارد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، اسناد حقوقی بین‌المللی و قوانین داخلی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود اقداماتی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست در افغانستان، عدم تصریح این حق به‌عنوان یک حق مستقل، چالش‌های اساسی در تحقق آن پدید آورده است. از این‌رو، تقویت چارچوب‌های قانونی، تضمین ضمانت‌اجراهای مؤثر، ایجاد محاکم تخصصی محیط‌زیستی، ارتقای آگاهی عمومی و تدوین سیاست‌های جامع محیط‌زیستی برای تحقق بهتر حق یادشده ضروری و ناگزیر می‌نماید.

#### نوع مقاله:

مقاله تحقیقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

#### واژه‌های کلیدی:

حق بر محیط‌زیست سالم؛ حقوق

بشر بین‌المللی؛ نظام حقوقی

افغانستان؛ تعهدات دولت‌ها

استناد: بلاغت، محمد یحیی، و بیان، احمد مسعود (۱۴۰۴). حق بر محیط زیست سالم در اسناد حقوقی بین‌المللی و حقوق

افغانستان. مجله بین‌المللی حقوق کاتب، ۴ (۲)، ۱۹۸-۱۸۱. DOI: <https://doi.org/10.66943/kjl.v4i2.79>



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

## مقدمه

محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از ارکان اساسی زندگی انسانی و پیش‌شرط توسعه پایدار، در نظام‌های حقوقی معاصر اهمیت ویژه‌ای یافته است. در دهه‌های اخیر، گسترش بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های انسانی، از جمله آلودگی، تخریب منابع طبیعی و دگرگونی‌های اقلیمی، چالش‌های جدی را فراروی حقوق بنیادین بشر به‌ویژه حق حیات و سلامت قرار داده است. در واکنش، جامعه جهانی از رهگذر حقوقی به این مسأله پرداخته و با تأکید بر تعهدات دولت‌ها و مشارکت عمومی، برخورداری از محیط زیست سالم و پایدار را به‌عنوان حق مستقل در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته است. با این حال، شیوه شناسایی و تضمین این حق و میزان انطباق آن با نظام‌های حقوقی داخلی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، همچنان جای بحث دارد.

در نظام حقوقی افغانستان، با وجود پیش‌بینی برخی مفاد در قانون اساسی و قوانین مرتبط، این حق به‌گونه مستقل تصریح نشده و بیشتر در قالب تعهدات کلی دولت مطرح گردیده است. افزون‌براین، چالش‌هایی چون ناهماهنگی با استانداردهای بین‌المللی، ضعف در اجرای مقررات، محدودیت ظرفیت‌های نهادی و کمبود پژوهش‌های تحلیلی، تحقق مؤثر آن را با موانع جدی روبه‌رو ساخته است. از این‌رو، بررسی تطبیقی جایگاه این حق در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی افغانستان برای درک بهتر ابعاد نظری و عملی آن ضروری به نظر می‌رسد.

مرور پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که مطالعاتی در زمینه حقوق محیط زیست و ارتباط آن با حقوق بشر انجام شده، اما بیشتر آن‌ها فاقد رویکرد تطبیقی است و خلأ قابل توجهی در تحلیل نقاط اشتراک و افتراق و میزان شناسایی این حق وجود دارد. بر این پایه، پرسش اصلی پژوهش حاضر بررسی جایگاه حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی افغانستان و تبیین نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها است. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که در هر دو نظام بر حفاظت از محیط زیست تأکید شده، اما در اسناد بین‌المللی این حق به‌گونه صریح و مستقل به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق نسل سوم به رسمیت شناخته شده است؛ در حالی که در نظام حقوقی افغانستان بیشتر به‌گونه ضمنی و در قالب تعهدات دولت مطرح گردیده است.

هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی جایگاه این حق، شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود هماهنگی و کارآمدی چارچوب‌های حقوقی است. این پژوهش می‌کوشد با ارائه تحلیلی نظام‌مند، به تقویت ادبیات حقوق محیط زیست، ارتقای آگاهی حقوقی و بهبود نظام حقوقی ملی کمک کند.

## ۱. تحلیل مفهومی حق بر محیط زیست سالم

برای درک بهتر مفهوم «حق»، لازم است میان «حق بودن» و «حق داشتن» تفکیک قائل شویم. حق در قالب «حق بودن» به معنای حقیقت و درستی است؛ در حالی که «حق داشتن» به معنای امتیاز، اختیار و برخورداری است و در برابر «تکلیف» قرار می‌گیرد (انواری و جاوید، ۱۳۸۹: ۶۸). در این رویکرد، حق بر محیط زیست سالم در قالب «حق داشتن» قابل تعریف است؛ یعنی برخورداری از محیط زیست، اختیار و امتیازی است که توسط دولت‌ها برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است.

در زمینه مفهوم حق بر محیط زیست سالم، ارائه تعریف جامع، به تعیین محتوا و حدود حقوقی آن وابسته است. به دلیل مناقشات نظری موجود در میان اندیشمندان حوزه حقوقی، اجماع روشنی درباره مفهوم و قلمرو این حق شکل نگرفته و ابهام در محتوا و قلمرو، مانع از ارائه تعریف مشخص در این زمینه گردیده است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۵۰). با این حال، بررسی اسناد بین‌المللی امکان شناسایی یک سری شاخص‌ها را برای تعریف این حق فراهم می‌کند. در اسناد بین‌المللی، حق بر محیط زیست سالم با ویژگی‌هایی مانند «سالم»، «پاک»، «عاری از آلودگی»، «مناسب» و «ایمن» توصیف گردیده که هر یک از این ویژگی‌ها در واقع بیانگر یکی از ابعاد اساسی حق یادشده تلقی می‌گردد (رها و دشتی، ۱۴۰۲: ۹۰). اصل نخست اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ مقرر می‌دارد که انسان حق زندگی با آزادی، برابری و محیط شایسته و سعادتمندانه را دارد (Stockholm, 1972st Principle). این اصل نشان می‌دهد که حق بر محیط زیست سالم نه تنها یک حق فردی، بلکه ابزار تحقق دیگر حقوق بنیادین بشری نیز می‌باشد. از این دیدگاه، می‌توان آن را به‌عنوان یک حق اساسی در چارچوب حقوق بشر قلمداد کرد. همچنین منشور آفریقایی حقوق بشر، حق ملت‌ها را بر برخورداری از محیط زیست رضایت‌بخش و متناسب با توسعه آن‌ها به رسمیت می‌شناسد (African Charter, 1981, Art. 24). در حالی که اعلامیه استکهلم حق بر محیط زیست سالم را به‌عنوان ابزاری برای تحقق حقوق بنیادین فردی معرفی کرده است، منشور آفریقایی آن را حق جمعی ملت‌ها و مرتبط با توسعه پایدار می‌داند.

در نظام حقوقی افغانستان، حق بر محیط زیست سالم به‌گونه صریح و مستقل شناسایی نشده، اما به‌طور ضمنی از اسناد تقنینی قابل استنباط است. در قانون اساسی، تأمین محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از اهداف دولت مطرح شده و در ماده ۱۵، دولت مکلف به اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت از جنگلات و محیط زیست گردیده است. همچنین در قانون محیط زیست افغانستان، بر حق یادشده تصریح نشده، اما بر حفاظت، احیا و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی تأکید گردیده است (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵، ماده ۱). بنابراین، در چارچوب نظام حقوقی حق-تکلیف، از تعهدات دولتی می‌توان وجود حق متناظر برای شهروندان را استنباط کرد. بر این پایه، حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان حق برخورداری از محیطی عاری از آلودگی و تخریب و واجد شرایط لازم برای تأمین سلامت، رفاه و تداوم زندگی انسانی قابل تعریف است.

## ۲. مبانی حق بر محیط زیست سالم

بدیهی‌ترین ویژگی حقوق و قانون، الزام‌آور بودن آن است و این پرسش مطرح می‌شود که چه نیرویی پشتوانه اجرای قواعد حقوقی را تشکیل می‌دهد و چرا باید از قانون پیروی کرد (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱: ۱۱). زیربنای شکل‌گیری حق بر محیط زیست سالم نیز بر دسته‌ای از مبانی نظری استوار است که مشروعیت و ضرورت آن را تبیین می‌کند. در این زمینه، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی نظریه‌پردازان حقوقی و فلسفی مطرح گردیده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: رویکرد نیازمندی انسان، نظریه منفعت انسانی و دیدگاه مبتنی بر کرامت و ارزش انسانی.

## ۲-۱. نیازمندی انسان

این رویکرد، حق بر محیط زیست سالم را بر پایه پاسخگویی به نیازهای بشری تعریف می‌نماید. انسان برای ادامهٔ بقا و ارتقای کیفیت زندگی خود، به محیطی نیاز دارد که به نیازهای او پاسخ دهد. رابطهٔ دیالکتیک<sup>۱</sup> او با محیط، هم استفاده از طبیعت برای رفع نیازها و هم حفاظت از منابع طبیعی را ضروری می‌سازد (عسگرخانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۲۱-۳۲۲). این دیدگاه با مفهوم توسعهٔ پایدار همسو است؛ چنان که گزارش برانت‌لند<sup>۲</sup> با عنوان «آیندهٔ مشترک ما»،<sup>۳</sup> توسعهٔ پایدار را فرایندی می‌داند که نیازهای نسل کنونی را بدون به خطر انداختن نیازهای نسل‌های آینده تأمین می‌کند (Our Common Future, Sustainable Development, 1987). حقوق افغانستان نیز بازتابی از همین رویکرد ارائه می‌دهد. از دیدگاه آمارتیا سن،<sup>۴</sup> آنچه اهمیت دارد این است که انسان‌ها چه‌گونه زندگی می‌کنند و چه امکاناتی برای داشتن یک زندگی سالم، ایمن و شایسته در اختیار دارند. توسعه تنها به معنای زنده ماندن یا داشتن درآمد بیشتر نیست، بلکه به معنای گسترش آزادی‌ها و ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها می‌باشد (Sen, 1999, pp. 24-25). قانون محیط زیست مصوب ۱۳۸۵، یکی از اهداف خود را تأمین نیازهای نسل کنونی و آینده، حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و تسهیل رشد پایدار ذکر کرده است (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵، مادهٔ ۲). بنابراین، می‌توان گفت که هر دو نظام حقوقی، این رویکرد را تأیید کرده‌اند و حق بر محیط زیست سالم را به‌عنوان حق تأمین‌کنندهٔ نیازهای انسانی و تضمین‌کنندهٔ توسعهٔ پایدار تعریف می‌کنند.

## ۲-۲. منفعت انسانی

نظریهٔ منفعت انسانی، زیر تأثیر مکتب فایده‌گرایی، بر ارتقای سعادت برای بیشترین افراد تأکید دارد (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۳). بر پایهٔ این دیدگاه، حق نوعی منفعت قانونی است که دیگران ملزم به رعایت آن هستند. در این چارچوب، ارزش محیط زیست به میزان سودمندی آن برای انسان سنجیده می‌شود و طبیعت فی‌نفسه فاقد ارزش تلقی می‌گردد. این دیدگاه بر دوگانگی انسان و طبیعت تأکید دارد: انسان موجودی است که توان درک درد و لذت را دارد و برای زندگی انسانی نیازمند محیط زیست سالم است؛ در حالی که محیط زیست تنها برای تأمین نیازهای انسان ارزشمند است (کشاورز و مشهدی، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۱). این رویکرد توسط نظریه‌پردازان کلاسیک فایده‌گرایی مانند جرمی بنتام<sup>۵</sup> و جان استوارت میل<sup>۶</sup> مطرح شده است که ارزش محیط و منابع طبیعی را در چارچوب سودمندی و رفاه انسانی تحلیل می‌کنند. اسناد بین‌المللی حقوق بشری، مانند میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رویکرد انسان‌محور<sup>۷</sup> دارند و محیط زیست را به میزان سودمندی برای بشر دارای ارزش می‌دانند.

۱. رابطه دیالکتیک عبارت از رابطه‌ای پویا و متقابل بین دو چیز یا دو نیرو که در برخورد باهم باعث رشد، تغییر یا شکل‌گیری چیزی جدیدی میشود.

2. Brundtland

3. Our Common Future

4. Amartya Sen

5. Jeremy Bentham

6. John Stuart Mill

7. Anthropocentric

به‌عنوان نمونه، ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به حق حیات و ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به سلامت جسمی و روحی انسان اشاره دارند. بنابراین، ارزش محیط زیست در این اسناد از بستر تحقق حقوق و نیازهای انسانی ناشی می‌شود؛ زیرا محیط زیست سالم می‌تواند زمینه تحقق حقوق یادشده را به‌گونه‌ای مناسب فراهم سازد. در حالی که قانون محیط زیست افغانستان رویکرد طبیعت‌محور<sup>۱</sup> اتخاذ کرده و برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل است؛ به‌گونه‌ای که حفاظت از زیست‌بوم‌ها و اشکال حیات را صرف‌نظر از منفعت انسانی دارای ارزش ذاتی می‌داند (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵، بند ۱ ماده ۵).

### ۲-۳. ارزش انسانی

بر پایه این دیدگاه، حق بر کرامت ذاتی انسان استوار است و برای حفاظت از ارزش انسانی شکل گرفته و غیرقابل سلب می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که همه انسان‌ها فارغ از نژاد، رنگ، ملیت یا عقاید، از مجموعه‌ای از حقوق برخوردارند (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۰۱). اعلامیه جهانی حقوق بشر بر کرامت و ارزش ذاتی انسان، حقوق برابر و غیرقابل انتقال تأکید دارد و آن را اساس آزادی و عدالت می‌داند و دولت‌های عضو را به حفظ کرامت انسانی ملزم کرده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، مقدمه). این احترام نه‌تنها یک اصل اخلاقی، بلکه یک تعهد حقوق بشری است. میثاق‌های حقوق بشری نیز شناسایی حیثیت ذاتی انسان‌ها را مبنای آزادی، عدالت و صلح می‌دانند (میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶، مقدمه). همچنین، اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، حق برخورداری از آزادی، برابری و محیط زیست مناسب را برای زندگی سعادت‌مندان تأکید می‌کند.

این دیدگاه ریشه در نظریه امانوئل کانت دارد. کانت بیان می‌کند که بیشتر اشیاء و اهداف تلاش‌های انسانی، ارزش خود را نه به سبب وجود ذاتی‌شان، بلکه به‌خاطر شیوه خدمت‌شان به نیازها، خواسته‌ها و منافع انسان‌ها کسب می‌کنند (Kant, 1785, pp. XXI-XXIII). بر پایه قانون اساسی افغانستان، «آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است» و «دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف است» (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲، ماده ۲۴). این ماده به‌روشنی تأکید دارد که حفاظت از کرامت انسانی یک حق اساسی و غیرقابل تعرض است و دولت موظف به حمایت از آن می‌باشد. بنابراین، کرامت انسانی در حقوق افغانستان همراستا با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی، به یک تعهد حقوق داخلی تبدیل گردیده است. همچنین بر پایه ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان، اصل ممنوعیت تبعیض تضمین می‌کند که همه افراد فارغ از نژاد، رنگ، ملیت یا عقاید، از حقوق برابر برخوردار باشند. بنابراین، حقوق افغانستان در زمینه حفاظت از کرامت انسانی با نظام حقوق بشری همسو است. اما رویکرد قانون محیط زیست افغانستان متفاوت است. برخلاف اسناد بین‌المللی که ارزش محیط زیست را تابع ارزش انسان می‌دانند، قانون محیط زیست افغانستان برای آن ارزش ذاتی قائل است و حفاظت از آن را حتی در نبود منفعت مستقیم انسانی الزام‌آور می‌داند.

1. Ego-centric

### ۳. ذی‌نفعان محیط زیست سالم؛ حقوق و مسئولیت‌ها

حق بر محیط زیست سالم نه تنها متعلق به نسل کنونی، بلکه مربوط به نسل‌های آینده نیز می‌باشد. بر پایه قطعنامه شماره ۷۶/۳۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته شده است و شامل همه انسان‌ها، بدون تبعیض، به نسل‌های حاضر و آینده می‌شود (UN, Resolution 76/300: The right to a healthy environment). بنابراین، نسل کنونی افزون بر بهره‌مندی از این حق، مسئولیت حفاظت و انتقال محیط زیست سالم به نسل‌های آینده را نیز به‌عنوان امین دارا می‌باشد (گروه صلح و کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۳۰۳-۳۰۴).

#### ۳-۱. محیط زیست سالم؛ حق نسل فعلی و آیندگان

برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق بنیادین بشری، مسئولیت دوگانه‌ای به نسل کنونی و آینده محول می‌کند. نسل فعلی افزون بر برخورداری از این حق، موظف است آن را به‌عنوان امانتی برای نسل‌های آینده حفظ کند و انتقال دهد. این مسئولیت در چارچوب عدالت بین‌نسلی قرار دارد که بر استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ کیفیت محیط زیست تأکید می‌کند (محبی و فیض‌الهی، ۱۴۰۰: ۱۰-۱۳). این مفهوم با اصل توسعه پایدار نیز همسو است که به تأمین نیازهای نسل کنونی بدون آسیب به توانایی‌های نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای‌شان اشاره دارد (WCED, 1987, Our Common Future). قانون محیط زیست افغانستان نیز یکی از اهداف خود را تأمین نیازمندی‌های نسل‌های حاضر و آینده در زمینه محیط زیست می‌داند و بر حفاظت از منابع طبیعی تأکید دارد تا نسل‌های آینده بتوانند از آن‌ها بهره‌مند شوند.

#### ۳-۲. محیط زیست سالم؛ حق اقشار بومی و محلی

اقشار بومی و محلی به‌دلیل ارتباط عمیق با منابع طبیعی، نقش کلیدی در حفاظت از گوناگونی زیستی دارند. طبق کنوانسیون تنوع زیستی، این جوامع باید از منافع حاصل از دانش و روش‌های سنتی خود در حفاظت از محیط زیست بهره‌مند شوند (Convention on Biological Diversity, 1992, Preamble). گزارش سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که با وجود آن‌که اقوام بومی تنها ۶ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، مسئول حفاظت از ۸۰ درصد گوناگونی زیستی هستند، اما کمتر از ۱ درصد بودجه تغییرات اقلیمی به آن‌ها اختصاص یافته است و تصمیمات محیط‌زیستی اغلب بدون مشارکت این گروه‌ها صورت می‌گیرد (United Nations, The State of The World's Indigenous People, 2025). در افغانستان نیز بخش عمده‌ای از جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و معیشت آن‌ها وابسته به محیط زیست است. بنابراین، تخریب محیط زیست، تهدیدی برای زندگی اقتصادی و اجتماعی این جوامع است و توجه به حقوق محیط زیستی آن‌ها در حفاظت از محیط زیست ضروری می‌نماید.

### ۳-۳. محیط زیست سالم؛ حق محیط

هنگامی که محیط زیست سالم را به عنوان حق خود محیط در نظر بگیریم، این پرسش مطرح می شود که آیا «حق» می تواند فراتر از انسان تعمیم یابد و آیا می تواند در چارچوب نظام پوزیتیویستی<sup>۱</sup> قابل دفاع باشد؟ زیرا نظام حقوق بشر به طور معمول بر پایه انسان محوری بنا شده است و دیگر موجودات شامل این امتیاز نمی شوند. با این حال، تکلیف انسان در حفاظت از محیط زیست نشان می دهد که محیط زیست نیز می تواند به گونه ضمنی صاحب حق تلقی شود. به بیان ساده، چون انسان مکلف به حفاظت از محیط زیست است، می توان نتیجه گرفت که محیط زیست از دیدگاه حقوقی دارای حق است. بر پایه نظام حق تکلیف، هرگاه یک طرف حق داشته باشد، طرف دیگر مکلف است. بنابراین، اگر انسان ها به حفاظت از محیط زیست مکلف شده اند، محیط زیست نیز می تواند حق داشته باشد. از این رو، محیط زیست سالم می تواند به عنوان حق خود محیط زیست در نظر گرفته شود (گروه صلح و کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۳۰۵-۳۰۶).

در نظام حقوقی افغانستان، هر چند مفهوم حقوق محیط زیست بیشتر به گونه حق انسان برای برخورداری از محیط زیست سالم مطرح شده است، برخی مقررات قانونی توجه به ارزش مستقل محیط زیست را نشان می دهند. به عنوان نمونه، قانون اساسی افغانستان دولت را موظف به حفظ و بهبود محیط زیست و جلوگیری از آلودگی کرده است (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ماده ۱۵). همچنین، قانون محیط زیست افغانستان بر ارج گذاری به طبیعت و حفاظت از منابع طبیعی بدون توجه به ارزش آن برای بشر تأکید کرده است (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵، ماده ۵). این مقررات به گونه غیرمستقیم نشان می دهند که محیط زیست می تواند به عنوان حق خود محیط شناخته شود. این قوانین به صراحت از «حق خود محیط زیست» سخن نمی گویند، اما با ایجاد تکالیف قانونی برای دولت و شهروندان در جهت حفاظت از محیط زیست، به نوعی تأکید دارند که محیط زیست دارای ارزش و جایگاهی است که باید مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین، تکلیف انسان در حفاظت از محیط زیست، به گونه ضمنی نشان می دهد که محیط زیست نیز می تواند صاحب حق تلقی شود.

### ۴. حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین المللی حقوق بشری و حقوق افغانستان

خاستگاه حق بر محیط زیست سالم، نظام حقوق بشر است و برخورداری از محیط زیست سالم و پایدار، پیش شرط بهره مندی از دیگر حق های بشری به شمار می رود. تخریب فزاینده منابع طبیعی در دهه های اخیر، نگرانی جامعه جهانی را برانگیخت و با استفاده از سازوکارهای حقوقی کوشش گردید تا از این تخریب جلوگیری به عمل آید. به همین دلیل، حق بر محیط زیست سالم نخست در اسناد غیرالزام آور مطرح شد و به تدریج در معاهدات بین المللی الزام آور جای گرفت. امروزه این حق در بسیاری از نظام های حقوق داخلی و منطقه ای به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته شده است (بیگزاده، ۱۴۰۰: ۹۹). اسناد کلاسیک حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی به طور مستقیم به حق بر محیط زیست سالم اشاره نکرده اند، اما مجموعه ای از حقوق را به رسمیت شناخته اند که تحقق آن ها بدون محیط زیست

۱. پوزیتیویسم به معنای استفاده از روش علمی تجربی برای کسب معرفت است، که بر پایه حواس و تجربه استوار است و هدف آن دستیابی به حکم قاطع و عینی می باشد. (جلالی، ۱۳۹۳: ۲)

سالم دشوار است. برای نمونه، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ به حق زندگی، آزادی و امنیت فردی اشاره دارد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۳). همچنین، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۶ بر حق حیات تأکید دارد که تحقق آن بدون محیط زیست سالم ممکن نیست. بنابراین، این موارد در واقع به‌گونه تلویحی بر حق بر محیط زیست سالم تأکید دارند.

شناسایی حق بر محیط زیست سالم در زمره حقوق نسل نخست و دوم بشری، افزون بر برخورداری از مزایای حقوقی، با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. اگر این حق را جزء حقوق نسل نخست (میثاق حقوق مدنی و سیاسی) بدانیم، ویژگی‌هایی مانند «غیرقابل تعلیق بودن، اعلامی بودن و قابل پیگیری بودن» را به خود می‌گیرد. اما اگر آن را جزء حقوق نسل دوم (میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قرار دهیم، با حقوقی مانند حق بر سلامت، آموزش و زندگی شایسته پیوند خورده و قابلیت مطالبه از دولت‌ها را پیدا می‌کند. با این حال، چالش اصلی، عدم شناسایی صریح این حق است که موجب وابستگی مفهومی به دیگر حقوق بشر و اختلاف نظر دولت‌ها در مورد دامنه، قلمرو و الزامات آن گردیده است (گروه صلح و کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۲۴۹-۲۵۰).

همچنین در اسناد منطقه‌ای حقوق بشری، از جمله منشور آفریقایی حقوق بشر، برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان حق مستقل بشری در نظر گرفته شده است (African Charter, 1981, Art.24). و در سند الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (پروتکل سان سالوادور)، حق بر محیط زیست سالم به‌صراحت به رسمیت شناخته شده و مقرر می‌دارد که «هر فرد حق دارد در محیط سالم زندگی کند و به خدمات عمومی اساسی دسترسی داشته باشد».<sup>۱</sup> همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۴۵/۹۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ تأکید کرده است که «تمامی افراد حق دارند در محیطی زندگی کنند که برای سلامت و رفاه آن‌ها مناسب باشد».<sup>۲</sup>

افغانستان نیز به‌عنوان عضو جامعه جهانی، در نظام حقوقی خود به محیط زیست توجه داشته است. قانون اساسی دوره جمهوری، در مقدمه به تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم اشاره کرده و در ماده ۱۵، دولت را مکلف به حفاظت از جنگلات و محیط زیست کرده است. با این حال، حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان حق مستقل شهروندی شناخته نشده و بیشتر به‌عنوان وظیفه و تکلیف دولت مطرح گردیده است. همچنین دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی یکی از مؤلفه‌های مهم حق بر محیط زیست سالم و زمینه‌ساز مشارکت عمومی و نظارت بر عملکرد دولت است. اسناد بین‌المللی مانند ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر به این حق اشاره کرده‌اند. در حقوق افغانستان نیز ماده ۵۰ قانون اساسی، دسترسی شهروندان به اطلاعات از ادارات دولتی را به رسمیت شناخته است. بنابراین، نظام حقوقی افغانستان با اسناد بین‌المللی در این زمینه همسو بوده و دسترسی به اطلاعات را به‌عنوان ابزاری مهم برای تحقق حق بر محیط زیست سالم مورد توجه قرار داده است.

1 Everyone shall have the right to live in a healthy environment and to have access to basic public services

2. All individuals are entitled to live in an environment adequate for their health and well-being

## ۵. مصادیق حق بر محیط زیست سالم

ابهام در محتوا و قلمرو حق بر محیط زیست سالم باعث ایجاد تفاوت در دیدگاه‌ها در زمینه تعیین مصادیق و محتوای آن گردیده است؛ اما می‌توان دسترسی به آب پاک و سالم، هوای پاک و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی را از مهم‌ترین جلوه‌های این حق در نظر گرفت.

### ۵-۱. آب پاک و سالم

آب به‌عنوان منبع زندگی، نقشی حیاتی در زندگی انسان دارد. در کره زمین بیش از ۷۰ درصد سطح آن را آب تشکیل می‌دهد، اما تنها حدود ۷/۲ درصد آن برای آشامیدن قابل استفاده است (کیس و شلتن، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۲). سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۶۴/۲۹۲، دسترسی به آب آشامیدنی سالم را از حق مستقل بشری دانسته و مسئولیت دولت‌ها در تضمین آن را مورد تأکید قرار داده است. این در حالی است که دسترسی به آب پاک و سالم تنها در بستر محیط زیست سالم امکان‌پذیر است و آلودگی محیط زیست می‌تواند زمینه‌ساز نقض حق بر آب آشامیدنی و حتی حق حیات گردد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد در نظریه کلی شماره ۱۵ (سال ۲۰۰۲) تأکید کرده است که دسترسی به آب، شرط اساسی برای بهره‌مندی از حق استاندارد زندگی مناسب بوده و به‌گونه جدایی‌ناپذیر با دسترسی به بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت مرتبط است؛ بنابراین دسترسی به آب یک حق بشری بنیادین به شمار می‌رود (امیری و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۱۰). در نظام حقوقی افغانستان نیز دسترسی به آب پاک و صحت به‌عنوان حق شهروندی به رسمیت شناخته شده (قانون تنظیم امور آب، ۱۳۹۸، ماده ۵) و اقدامات متعددی برای حفاظت از آن انجام گرفته است. همچنین نهادهای گوناگون مسئول مدیریت و حفظ این منبع حیاتی هستند. بنابراین، این امر نشان‌دهنده همسویی حقوق افغانستان با اصول بین‌المللی حقوق بشر در زمینه حفاظت از آب و تضمین بهره‌مندی انسان از این منبع اساسی است.

### ۵-۲. هوای پاک

یکی از مصادیق مهم حق بر محیط زیست سالم، هوای پاک است. کنوانسیون آلودگی هوای برون مرزی، آن را «ورود مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی توسط انسان به هوا که به آثار زیانباری بینجامد» تعریف کرده است (Long-Range Transboundary Air Pollution, 1979, Art 1). رشد صنعتی و استفاده گسترده از سوخت‌های فسیلی موجب تشدید آلودگی هوا شده است و کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های متعددی، از جمله کنفرانس جهانی ۱۹۷۹، کنفرانس تغییرات جوی ۱۹۸۸ و پروتکل‌های لایه ازن مونترال ۱۹۸۷ به این موضوع پرداخته‌اند (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۷). میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۲، حق بر سلامت جسمی و روانی را به رسمیت شناخته است و آلودگی هوا مصداق نقض این حق به شمار می‌رود. افغانستان نیز برای مقابله با آلودگی هوا اقدام کرده و اسناد قانونی مانند «مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا» (۱۳۸۸) و «پالیسی کنترل و کاهش آلودگی‌ها» (۱۳۹۶) را تصویب کرده است. این مقررات بر کاهش آلودگی، جلوگیری از آثار سوء بر سلامت و محیط زیست و بهبود کیفیت هوا تأکید دارند (مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، ۱۳۸۸، ماده ۲). بنابراین، نظام حقوق بشری و حقوق داخلی

افغانستان در زمینه هوای پاک از دیدگاه تقنینی همسو هستند. هر دو نظام، آلودگی هوا را تهدیدی برای سلامت انسان و محیط زیست می‌شناسند و بر مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست و تضمین شرایط زندگی سالم تأکید دارند.

### ۳-۵. دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، یکی از مصادیق مهم حق بر محیط زیست سالم است و شامل آزادی دریافت اطلاعات محیطی و ارائه فعالانه آن توسط مقامات صالح می‌شود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۹: ۹۳-۹۴). اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۶ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۹ به این حق تأکید کرده‌اند. در رویه قضایی، قضیه تنگه کورفو (۱۹۴۹) بر مسئولیت دولت‌ها در اطلاع‌رسانی درباره خطرات زیست‌محیطی به دیگر دولت‌ها تأکید کرده است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۹۸). حق دسترسی به اطلاعات به‌عنوان یکی از شاخص‌های نسل نخست حقوق بشر، مشارکت فعال و آگاهانه شهروندان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تضمین می‌کند (محسنی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۱). در نظام حقوقی افغانستان نیز این حق به‌عنوان حق شهروندی در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است: «اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می‌باشند. این حق جز در مواردی که به حقوق دیگران یا امنیت عامه آسیب برساند، محدودیتی ندارد» (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ماده ۵۰). افزون‌براین، قانون دسترسی به اطلاعات، فرایند درخواست و ارائه اطلاعات را به‌گونه‌ای مشخص و سازمان‌یافته تنظیم می‌کند تا دسترسی به اطلاعات برای مردم آسان شود و امکان مشارکت شهروندان در فرایندهای دموکراتیک و نظارت بر عملکرد دولت فراهم گردد (قانون دسترسی به اطلاعات، ۱۳۹۳، ماده ۴). همچنین اداره محیط زیست افغانستان، سازوکار آنلاین دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی را ایجاد کرده تا شهروندان بتوانند اطلاعات مورد نیاز خود را از این راه دریافت کنند. بنابراین، این اقدامات نشان‌دهنده همسویی نظام حقوقی افغانستان با اصول بین‌المللی حقوق بشر و تأکید بر دسترسی به اطلاعات به‌عنوان بخشی از حق بر محیط زیست سالم است.

### ۳-۶. تعهدات دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، پیش‌شرط توسعه و رفاه عمومی است و مدیریت درست آن، امکان انتقال به نسل‌های آینده را فراهم می‌کند. قواعد حقوقی نمی‌توانند دگرگونی‌های طبیعی محیط زیست را متوقف سازند اما استفاده منطقی از منابع را تسهیل می‌کنند. دولت‌ها و جامعه بین‌المللی مسئول حفاظت از منابع طبیعی به‌عنوان میراث مشترک بشریت هستند و موظف‌اند از این منابع به‌گونه معقول بهره‌برداری کنند. بر پایه حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مسئول جبران خسارت‌های وارده به این منابع‌اند و تعهدات ایجابی و سلبی متعددی دارند (امیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۲-۱۴۳). در نظام حقوق بشری، مسئولیت دولت‌ها در زمینه حق برخورداری از محیط زیست سالم نیز بیشتر در قالب تعهدات سلبی و ایجابی تحلیل می‌شود.

### ۱-۶. تعهدات سلبی

این دسته از تعهدات، دولت‌ها را از اقداماتی که به نقض حق بر محیط زیست می‌انجامد، باز می‌دارد (تاموشات، ۱۳۹۸: ۹۷). به این معنا که دولت‌ها مسئولیت دارند از هرگونه اقداماتی که به نقض حق بر محیط زیست می‌انجامد خودداری کنند و برعکس، در جهت احقاق و بهره‌مندی افراد و شهروندان از حق یادشده، اقدامات لازم را به کار گیرند.

#### ۱-۱-۶. تعهد به خودداری از تصویب قوانین ناقض حق بر محیط زیست سالم

یکی از تعهدات سلبی دولت‌ها، جلوگیری از تصویب قوانین و مقرراتی است که به تخریب محیط زیست و منابع طبیعی می‌انجامد (امیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۴). در این زمینه، اصولی مانند اصل احتیاطی<sup>۱</sup> و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت<sup>۲</sup> شکل گرفته‌اند. اصل احتیاطی اقتضا می‌کند که دولت‌ها در نبود قطعیت علمی، تدابیر پیشگیرانه برای حفاظت از محیط زیست اتخاذ کنند (موسوی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). در این راستا، اصل نخست اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ با شناسایی حق انسان بر برخورداری از آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی با کیفیت مطلوب که امکان زندگی شرافتمندانه و رفاه را فراهم سازد، به‌گونه‌ی ضمنی دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا از وضع قوانین و اتخاذ سیاست‌هایی که به تخریب محیط زیست یا کاهش کیفیت آن می‌انجامد، خودداری کنند. به بیان دیگر، تضمین شرایط مناسب زندگی انسانی بدون تأمین محیط زیست سالم امکان‌پذیر نیست و هرگونه اقدام تقنینی مغایر با این هدف، نقض تعهدات سلبی دولت‌ها در زمینه حفاظت از محیط زیست به شمار می‌رود.

افغانستان نیز به‌عنوان عضو جامعه جهانی، در چارچوب تعهدات سلبی مکلف است از فعالیت‌ها و مقرراتی که به تخریب محیط زیست می‌انجامد جلوگیری کند. قانون اساسی دوره جمهوری، حفاظت از محیط زیست را جزو وظایف دولت دانسته است (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ماده ۱۵) و قانون محیط زیست ۱۳۸۵ نیز بر حفاظت از سلامت انسان و حیوانات تأکید دارد. افزون‌براین، پیوستن افغانستان به کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی، تعهدات بین‌المللی آن را در زمینه جلوگیری از فعالیت‌های زیانبار به محیط زیست تقویت کرده است. بنابراین، این اقدامات به‌گونه‌ی مستقیم و ضمنی بر حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی تأکید دارند.

#### ۲-۱-۶. تعهد به رعایت و عدم نقض قوانین زیست‌محیطی

یکی دیگر از تعهدات سلبی دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست، جلوگیری از نقض قوانین و مقررات مرتبط با منابع طبیعی است. منابع طبیعی تنها در صورتی می‌توانند برای نسل‌های حاضر و آینده حفظ شوند که بهره‌برداری از آن‌ها در چارچوب قوانین صورت گیرد و از نقض این مقررات جلوگیری به عمل آید. پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی (۱۹۸۲) در ماده ۱۵ مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو متعهدند شرایط طبیعی زندگی را دچار دگرگونی‌های نامساعدی که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی

1. Precautionary Principle  
2. Common but Differentiated Responsibilities

آسیب می‌رساند، نکنند (پیش‌نویس میثاق حقوق همبستگی، ۱۹۸۲، ماده ۱۵). همچنین، اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ بر حفاظت از منابع کره زمین به نفع نسل‌های حاضر و آینده تأکید کرده است. بنابراین، تنها زمانی می‌توان محیط زیست و منابع طبیعی را به گونه‌ای درست حفاظت کرد که استفاده از آن در چارچوب قوانین و مقررات مرتبط با محیط زیست صورت گیرد.

همچنین در قضیه تریل اسملتر<sup>۱</sup> هیأت داوری اعلام کرد که هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کند که به ورود آسیب به محیط زیست دولت دیگر بینجامد (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۱۸۳-۱۸۶). بنابراین، رأی یادشده در واقع اصل مسئولیت دولت‌ها در جلوگیری از فعالیت‌های زیانبار زیست‌محیطی را تثبیت کرده و بیانگر تعهد آن‌ها به رعایت و عدم نقض قوانین و مقررات مرتبط با محیط زیست در چارچوب تعهدات سلبی نسبت به حق بر محیط زیست سالم است.

در نظام حقوقی افغانستان، قانون اساسی در ماده ۱۵، دولت را موظف به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در راستای تأمین رفاه و بهزیستی مردم کرده است. این ماده، دولت را مکلف می‌سازد نه تنها از منابع طبیعی حفاظت کند، بلکه از نقض قوانین حامی محیط زیست نیز جلوگیری به عمل آورد. افزون‌براین، قانون محیط زیست، اداره محیط زیست افغانستان را به‌عنوان نهاد مسئول اجرای احکام قانون تعیین کرده است (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵، ماده ۳). بنابراین، اداره ملی حفاظت از محیط زیست بر عملکرد نهادهای دولتی نظارت دارد و در صورت تخلف، اقدامات اصلاحی را اعمال می‌کند. افزون‌براین، افغانستان با پیوستن به معاهدات بین‌المللی محیط‌زیستی، متعهد به جلوگیری از اقدامات آسیب‌زا و هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی با استانداردهای جهانی می‌باشد. با این حال، اجرای قوانین زیست‌محیطی در عمل با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. آرمان قادری در روزنامه ۸ صبح، عامل‌های ناپایداری محیط‌زیستی در افغانستان را شامل سه دسته می‌داند: عامل‌های اجتماعی مانند بی‌سوادی و ناآگاهی، عامل‌های سیاسی شامل بی‌ثباتی و جنگ و عامل‌های حقوقی شامل ضعف قوانین و عدم اجرای کامل مقررات محیط‌زیستی (قادری، ۱۳۹۹).

## ۲-۶. تعهدات ایجابی

دولت‌ها افزون بر تعهدات سلبی، در حفاظت از محیط زیست دارای تعهدات ایجابی نیز هستند. در این چارچوب، مکلف‌اند اقدامات مؤثری برای جلوگیری از نقض حقوق و آزادی‌ها و تأمین بهره‌مندی افراد از حقوق خود اتخاذ کنند (Kovalchuk et al., 2021: 29). بنابراین، تعهدات ایجابی بیانگر مسئولیت‌های فعال دولت، فراتر از عدم مداخله است و شامل تدوین و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی، ایجاد نهادهای تخصصی، ارتقای آگاهی عمومی و فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم برای مدیریت منابع طبیعی است. این تعهدات، بهره‌مندی پایدار نسل حاضر و آینده از محیط‌زیست را تضمین می‌کند. در ادامه، مهم‌ترین تعهدات ایجابی دولت‌ها در زمینه حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم بررسی می‌شود.

### ۱-۲-۶. تدوین و تصویب قوانین مؤثر محیط زیستی

یکی از مهم‌ترین تعهدات ایجابی دولت‌ها در زمینه حفاظت از محیط زیست، تدوین و تصویب قوانین و مقررات مؤثر زیست‌محیطی است. اعلامیه ریو ۱۹۹۲ بر این نکته تأکید دارد که «دولت‌ها باید قوانین مؤثر زیست‌محیطی وضع کنند» (اعلامیه ریو، ۱۹۹۲، اصل ۱۱). این اصل نشان‌دهنده اهمیت تدوین قوانینی است که بتوانند به‌طور مؤثر، مانع از تخریب محیط زیست شوند و استفاده پایدار از منابع طبیعی را تضمین کنند. همچنین، اصل ۱۳ اعلامیه ریو به ضرورت وضع قوانین ملی در زمینه مسئولیت و جبران خسارت‌های زیست‌محیطی اشاره دارد و اصل ۱۵ آن، اصل احتیاطی را به‌عنوان مبنای اقدامات پیشگیرانه دولت‌ها معرفی می‌کند (اعلامیه ریو، ۱۹۹۲، اصول ۱۳-۱۵). این اصول تأکید دارند که برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای رسیدن به اهداف زیست‌محیطی هستند.

به‌عبارت‌دیگر، دولت‌ها نه تنها باید قوانین زیست‌محیطی وضع کنند، بلکه باید با اجرای برنامه‌های منسجم و هماهنگ با سیاست‌های محیط زیستی، موفقیت‌های پایدار در زمینه حفاظت از محیط زیست به دست آورند. این فرایند نیازمند نظارت پیوسته و ارزیابی اثربخشی قوانین است؛ زیرا تنها با تدوین و اجرای مؤثر قوانین است که دولت‌ها می‌توانند جلو تخریب محیط زیست را بگیرند و استفاده پایدار از منابع طبیعی را تضمین کنند (وفاداری، ۱۳۸۶: ۱۰۲). در نظام حقوقی افغانستان نیز ماده ۱۵ قانون اساسی، دولت را موظف می‌سازد که محیط زیست سالم را برای همه شهروندان فراهم کند و اقدامات اساسی برای حفاظت از منابع طبیعی به عمل آورد. این ماده به‌طور خاص به تدوین قوانین زیست‌محیطی اشاره ندارد اما از آن می‌توان نتیجه گرفت که دولت موظف به اتخاذ تدابیر قانونی در راستای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی است. قانون محیط زیست افغانستان نیز در ماده ۵، بر ارج‌گذاری به طبیعت، حفاظت و اعاده همه اشکال حیات تأکید دارد که به‌طور غیرمستقیم به تعهد ایجابی دولت برای تدوین و تصویب قوانین مؤثر زیست‌محیطی اشاره می‌کند (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵، ماده ۵). با این حال، در عمل، روند اجرای قوانین زیست‌محیطی در افغانستان با چالش‌های ساختاری و اجرایی روبه‌رو است. قوانین موجود چارچوب‌های نظری مناسبی را برای دولت تعیین می‌کنند اما در زمینه اجرای مؤثر این قوانین و نظارت بر آن‌ها، نیاز به بهبود و تقویت نهادهای نظارتی و اجرایی وجود دارد. در نتیجه، برای دستیابی به موفقیت در حفاظت از محیط زیست، دولت باید برنامه‌ریزی دقیق، اجرای مؤثر قوانین و ایجاد هماهنگی در سطح نهادهای نظارتی را در دستور کار قرار دهد.

### ۲-۲-۶. اجرا و نظارت بر قوانین زیست‌محیطی

یکی دیگر از تعهدات ایجابی دولت‌ها در زمینه حفاظت از محیط زیست، اجرای مؤثر قوانین و مقررات مرتبط است. صرف تدوین و تصویب قوانین، گام نخست به شمار می‌رود و بدون کاربست عملی این مقررات، کارآمدی لازم را نخواهد داشت. از این‌رو، تحقق اهداف حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، نیازمند اجرای مؤثر این قوانین است.

بر پایه گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> تحت عنوان «رشد چشمگیر قوانین برای حفاظت از محیط زیست، اما ناکامی گسترده در اجرای آن‌ها»<sup>۲</sup>، با وجود افزایش ۳۸ درصدی در تصویب قوانین و مقررات در زمینه حفاظت از محیط زیست از سال ۱۹۷۲ به این سو، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در برابر آلودگی‌های محیط زیستی، عدم اجرای کامل و مؤثر قوانین زیست‌محیطی است (UNEP, 2019). بنابراین، اجرای مؤثر قوانین زیست‌محیطی زمانی به‌درستی امکان‌پذیر است که دولت‌ها در برابر نیازهای جدید، مقررات را بازنگری و تقویت کنند و همچنین سازوکارهای اجرایی لازم را نیز به کار گیرند (رابینسون، ۱۳۹۰: ۸۳). در نظام حقوقی افغانستان نیز دولت موظف است محیط زیست سالم را برای همه شهروندان فراهم کند و اقدامات لازم برای حفاظت از منابع طبیعی انجام دهد (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ماده ۱۵). این ماده به‌عنوان زیربنای تعهدات ایجابی دولت، امکان شکل‌گیری سازوکارهای اجرایی برای حفاظت از محیط زیست را فراهم می‌سازد. همچنین قانون محیط زیست مصوب ۱۳۸۵، اداره ملی حفاظت از محیط زیست را به‌عنوان نهاد مسئول اجرای قوانین و مقررات زیست‌محیطی تعیین کرده است تا چارچوب قانونی و نهادی برای تحقق اهداف حفاظت از منابع طبیعی و اجرای برنامه‌های محیط زیستی شکل گیرد. بنابراین، اجرای مؤثر قوانین زیست‌محیطی، اصل اساسی تعهدات ایجابی دولت‌ها است. افغانستان با وجود داشتن چارچوب قانونی تا حدی منسجم، هنوز در سطح عملی و نظارت مستمر با چالش روبه‌رو است. از این رو، برای همسویی با اسناد بین‌المللی و استانداردهای جهانی، لازم است قوانین خود را متناسب با شرایط محیط زیستی جدید بازنگری کند تا سازوکارهای اجرایی و نظارتی قوی ایجاد گردد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و نظام حقوقی افغانستان نشان می‌دهد که این حق در سطح بین‌المللی از یک مفهوم ضمنی به یک حق مستقل و جامع ارتقا یافته؛ در حالی که در افغانستان حق یادشده هنوز به‌عنوان تکلیف دولت و اصول کلی مطرح است. مبانی نظری این حق، بر نیازمندی، منفعت و کرامت انسانی استوار است و در حال حاضر، گرایش‌های نوین حقوقی به سمت شناسایی ارزش ذاتی محیط زیست در حال تقویت است. در نظام حقوقی افغانستان، گامی نسبی به سمت رویکرد طبیعت‌محور برداشته شده، اما ضعف‌های اجرایی و نظارتی مانع تحقق کامل این حق شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حق بر محیط زیست سالم ماهیتی چندلایه دارد که مستلزم شناسایی ذی‌نفعان گوناگون از نسل‌های آینده تا جوامع بومی و محیط زیست به‌عنوان یک ارزش مستقل است. همچنین شکاف اصلی در تعهدات دولت‌ها نه در نبود قوانین، بلکه در ضعف اجرا و نظارت بر قوانین نهفته است. از این رو، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تحقق مؤثر حق بر محیط زیست سالم در افغانستان نیازمند گذار از رویکرد تکلیف‌محور به حق‌محور، تقویت ضمانت‌های اجرایی قانونی، توسعه نهادهای تخصصی قضایی و اداری و همسوسازی عملی با استانداردهای بین‌المللی است. بدون چنین دگرگونی ساختاری، این

1. UNEP

2. Dramatic Growth in Laws to Protect environment, but Widespread Failure to Enforce.

حق همچنان در سطح تعهدات نظری باقی می‌ماند و از کارکرد واقعی خود در تضمین کرامت انسانی، عدالت بین‌نسلی و توسعه پایدار باز خواهد ماند. بنابراین، برای تحقق مؤثر این حق در افغانستان، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

۱. شناسایی صریح حق بر محیط زیست سالم در قانون اساسی به‌عنوان حق مستقل شهروندی تا زمینه احقاق حقوق و طرح دعوای قضایی فراهم گردد.
۲. ایجاد محکمه اختصاصی محیط زیست در چارچوب قوه قضائیه برای رسیدگی مؤثر به جرم‌ها و تخلفات زیست‌محیطی.
۳. تقویت اداره ملی حفاظت محیط زیست از دیدگاه بودجه، منابع انسانی و صلاحیت‌های اجرایی و نظارتی برای اجرای قوانین و مقررات مرتبط.
۴. ایجاد نظام دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی تا شهروندان بتوانند در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی مشارکت کنند.
۵. افزایش همکاری‌های بین‌المللی و پیوستن افغانستان به کنوانسیون‌های جدید محیط زیستی.

## منابع و مراجعها

۱. امیری، مجاهد، و همکاران. (۱۳۹۹). اجرای تعهدات کشورها نسبت به حق بر محیط زیست سالم (مطالعه موردی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت). فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۳(۶۷).
۲. امیری، مجاهد، و همکاران. (۱۴۰۱). حق بر آب در پرتو رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۳(۷۵).
۳. انواری، محمدعلی، و جاوید، محمدجواد. (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی حق و تکلیف در عصر قدیم و جدید غربی. فصلنامه حقوق، ۶۵-۸۳.
۴. بیگزاده، ابراهیم. (۱۴۰۰). جزوه حقوق بین‌الملل عمومی ۱ (به کوشش امیرحسین قانع). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۵. پورهاشمی، سیدعباس، و ارغند، بهاره. (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل محیط زیست (چاپ اول). تهران: انتشارات دادگستر.
۶. تاموشات، کریستیان. (۱۳۹۸). حقوق بشر: از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی (ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ سوم). تهران: نشر میزان.
۷. جلالی، سیدحسین. (۱۳۹۳). اثبات‌گرایی و پسااثبات‌گرایی و نقش آن در تحقیقات مدیریت. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۸. جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت عدلیه. (۱۳۸۲). قانون اساسی افغانستان. کابل: جریده رسمی، شماره ۸۱۸.
۹. جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت عدلیه. (۱۳۸۵). قانون محیط زیست. کابل: جریده رسمی، شماره مسلسل ۹۱۲.
۱۰. جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت عدلیه. (۱۳۹۳). قانون دسترسی به اطلاعات. کابل: جریده رسمی، شماره ۱۱۵۶.
۱۱. جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت عدلیه. (۱۳۹۸). قانون تنظیم امور آب. کابل: جریده رسمی.
۱۲. رایبسون، نیکلاس، و کوروکولاسوریا، لال. (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست (ترجمه محمدمهدی حسینی، چاپ اول). تهران: انتشارات میزان.
۱۳. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۹). بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست. فصلنامه پژوهش حقوق، ۲۹(۲).
۱۴. رهام، احسان، و دشتی، فرزانه. (۱۴۰۲). بررسی جایگاه حق بر محیط زیست سالم در حقوق بین‌الملل. فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، ۲(۸).
۱۵. شلتن، داینا، و کیس، آلکساندر چارلز. (۱۳۸۹). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست (ترجمه محسن عبدالحی). تهران: انتشارات خرسندی.
۱۶. عباسی، محمود، و سودمندی، عبدالمجید. (۱۳۹۵). حق بشر و حق بهره‌مندی از هوای پاک. فصلنامه اخلاق زیستی، ۲۱(۲).
۱۷. عزیری، مهدی، و همکاران. (۱۳۹۶). بررسی و نقد تأثیر مکتب فایده‌گرایی بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و مقایسه آن با نظریه رشد اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲(۲).
۱۸. سگرخانی، ابومحمد، و همکاران. (۱۳۹۷). بررسی ماهیت و محتوای حق بر محیط زیست سالم. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴(۴)، ۳۱۰-۳۳۰.
۱۹. قادری، آرمان. (۱۳۹۹). عوامل ناپایداری محیط زیست در افغانستان. روزنامه هشت صبح.
۲۰. کشاورز، اسماعیل، و مشهدی، علی. (۱۳۹۱). تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم. دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲(۲).

۲۱. گروه صلح و کرسی حقوق بشر: صلح و دموکراسی یونسکو. (۱۳۹۱). حقوق زیست‌محیطی بشر. تهران: انتشارات دادگستر.
۲۲. محبی، محسن، و فیض‌الهی، فرانک. (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم عدالت بین‌نسلی در حقوق بین‌الملل محیط زیست. *مجله حقوقی بین‌المللی*، (۶۵).
۲۳. محسنی، وجیهه، و همکاران. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت‌سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوق ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، (۶۲).
۲۴. مشهدی، علی. (۱۳۹۲). حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی و فرانسوی). تهران: نشر میزان.
۲۵. منصورآبادی، عباس، و ریاحی، جواد. (۱۳۹۱). مفهوم‌شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی. *مجله پژوهش‌های حقوقی علمی ترویجی*، (۲۲).
۲۶. وفاداری، علی. (۱۳۸۶). تعهد و مسئولیت دولت‌ها در رعایت محیط زیست. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، (۱)۹.
27. African Charter on Human and Peoples' Rights. (1981).
28. Kant, I. (1785). *Groundwork of the Metaphysics of Morals*. Cambridge: Cambridge University Press.
29. Kovalchuk, V. B., Zharovska, I. M., Gutiv, B. I., Melnychenko, B. B., & Panchuk, I. O. (2021). Human rights and positive obligations of the state. *Journal of the National Academy of Legal Sciences of Ukraine*, 28(3), 27–35.
30. Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. New York, NY: Oxford University Press.
31. United Nations. (1972). *Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration)*.
32. United Nations. (2025). *The State of the World's Indigenous Peoples*.
33. United Nations Economic Commission for Europe. (1979). *Convention on Long-Range Transboundary Air Pollution*. Geneva: UNECE.
34. United Nations Environment Programme. (2019). *Dramatic Growth in Laws to Protect Environment, but Widespread Failure to Enforce*.
35. United Nations General Assembly. (1948). *Universal Declaration of Human Rights*.
36. United Nations General Assembly. (1966a). *International Covenant on Civil and Political Rights*.
37. United Nations General Assembly. (1966b). *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*.
38. World Commission on Environment and Development. (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.
39. UNECE. (1998). *Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-Making and Access to Justice in Environmental Matters (Aarhus Convention)*.
40. United Nations General Assembly. (1990, December 14). *Resolution 45/94: Need to Ensure a Healthy Environment for the Well-Being of Individuals (A/RES/45/94)*.
41. Convention on Biological Diversity. (1992, June 5). *Convention on Biological Diversity*. Retrieved from <https://www.cbd.int/convention/text/>
42. United Nations General Assembly. (2010, July 28). *The Human Right to Water and Sanitation (A/RES/64/292)*.